مجله مطالعات حقوق

شماره ۵۱،
دوره ۱۱،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۲،
صص ۱-۱۳

علل موجه جرم

داریوش اولادی قادیکلایی[۱]

چکیده

قبل و بعد از وقوع جرم ممکن است وقایعی اتفاق افتد که بر ساختار جرم تأثیرگذار باشد. برای تحقق یک جرم محقق شدن سه عنصر که عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی است ضروری است. علل و عواملی وجود دارند که باعث موجه شدن جرم می‌شوند و مجازات آن را زایل می‌کنند. هدف از این تحقیق که به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است بررسی جایگاه عوامل موجه جرم با توجه به آموزه‌های فقهی در قانون مجازات مصوب سال ۱۳۹۲ می باشد. این قانون برخلاف قانون سابق با اختصاص بخشی مجزا به شرایط و موانع مسئولیت کیفری،صرف‌نظر از تفکیک عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری پرداخته است که روی این اصل مقنن هردو تأسیس حقوقی را در هم ادغام نموده است و عوامل موجّه جرم جایگاه مشخصی ندارد. نتایج بیانگر آن است که در جریان رسیدگی کیفری، دفاعیات مختلفی از طرف متهم یا وکیل او امکان طرح دارند که استناد به عوامل موجهه جرم ازجمله‌ی آن‌هاست. عوامل موجهه جرم به شرایطی عینی اطلاق می‌شود که به عمل مجرمانه صورتی موجهه می‌دهند یا آن را مباح می سازند. صرف‌نظر از اینکه عوامل موجهه در صورت احراز مانع مجازات متهم می‌شوند از جهت قابلیت اعمال، اقدامات تأمینی و تربیتی، مسئولیت مدنی متهم، دفاع در برابر متهم، قابلیت مجازات شرکا و معاونان جرم، بار اثبات و آیین دادرسی، تفاوت‌هایی با مقوله رافع مسئولیت کیفری دارد که مرتبط با شرایط و کیفیات آن‌هاست.

کلمات کلیدی: علل موجه جرم، علل رافع مسئولیت کیفری، مسئولیت، جرم

[۱] کارشناسی ارشد، گرایش فقه و حقوق جزا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نوشهر، نوشهر، ایران (نویسنده مسئول)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-09-08]

شماره ۵۱،
دوره ۱۱،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۲،
صص ۱-۱۳

مقدمه

حقوق همواره متکی به اخلاق و عدالت و مدافع آزادی‌های فردی است و هیچ‌گاه این خصایص را از دست نخواهد داد. این ویژگی‌ها در حقوق کیفری که ضمانت اجرای شدید دارد بیشتر مشهود است. افراد جامعه به‌رغم امکانات کم، دارای خواسته‌های نامحدودی هستند و لذا ازآنجایی‌که تأمین آزادی‌های فردی همیشه به سود جامعه تمام نمی‌شود، موجب تجاوز صاحبان قدرت به حقوق می‌گردد. از زمان‌های دور جرم به‌مثابه رفتاری معارض با هنجارهای اجتماعی بوده و همواره واکنش اجتماع که به‌صورت مجازات، در اشکال مختلف نمایان می‌باشد، همراه و همدوش آن بوده است(حبیب زاده، ۱۳۸٤).

حقوقدانان در توضیح علت عدم مسؤولیت اشخاصی که در شرایط خاص مرتکب جرم می‌شوند، توافق نظر ندارند. برخی معتقدند که در چنین مواردی به دلیل فقدان قصد مجرمانه عنصر روانی جرم زایل شده و عناصر تشکیل‌دهنده جرم، ازاین‌جهت ناقص است. این نظر قابل‌تأیید نیست، زیرا منظور از قصد مجرمانه یا عنصر روانی جرم، چیزی جز انجام آگاهانه و ارادی رفتار ممنوعه به‌قصد کسب نتیجه زیان‌بار نیست و این کیفیت در تمام مصادیق عوامل موجهه جرم وجود دارد.

مثلاً مدافع به هنگام دفاع مشروع یا مأمور در زمان اجرای حکم، هم اراده آگاهانه دارد وهم قصد نتیجه ؛ اما آنچه در او نیست، انگیزه یا داعی خلاف قانون است و می‌دانیم که اگرچه انگیزه و قصد و نیت حاکی از نوعی حالت ذهنی در ارتکاب جرم است، اما با آن تفاوت دارد و انگیزه هدف نهایی واصلی از ارتکاب جرم و تصور منعفت یا احساس خاصی است که مرتکب را به انجام عمل مجرمانه سوق می‌دهد. و ازلحاظ زمانی مقدم بر قصد ارتکاب جرم است. بعضی از نویسندگان که برای جرم عنصر چهارمی به نام عنصر «عدم مشروعیت» قائل‌اند، معتقدند که عوامل موجهه جرم، عنصر مذکور را زائل کرده، موجب مشروعیت عمل مجرمانه می‌شوند(هژبرالساداتی، ۱۳۹٤).

اغلب نویسندگان معتقدند که در عوامل موجهه جرم، به دلیل زوال عنصر قانونی جرم، به‌موجب یک متن قانونی دیگر، وصف مجرمانه از فعل زایل می‌شود. دو دیدگاه اخیر، درواقع در یک نظر قابل‌جمع هستند و اختلاف آن‌ها اختلاف لفظی است، نه معنوی؛زیرا عنصر عدم مشروعیت، عنوانی دیگر برای عنصر قانونی جرم است و در حقیقت، عدم مشروعیت عمل است که در قانون به آن صفت مجرمانه می‌دهد و زوال عنصر قانونی جرم، حاکی از جواز قانونی ارتکاب آن است. این نظر موجه‌تر می‌نماید، زیرا در عوامل موجهه جرم، خود قانون‌گذار طی یک متن قانونی دیگر، عملی را که قبلاً جرم شناخته، مجاز می‌شمارد و کسی را به خاطر ارتکاب آن،مجرم نمی‌نامد و به‌تبع آن، مجازات نیز نمی‌کند.علت زوال عنصر قانونی جرم، انگیزه‌ی خاصی است که در عوامل موجهه‌ی جرم وجود دارد(افراسیابی، ۱۳۹٦).

شاید گفته شود که انگیزه در تعریف جرم، نقشی ندارد و انگیزه خوب یا شرافتمندانه،وصف مجرمانه را زائل نمی‌کند. پاسخ این است که در موارد استثنایی، انگیزه یکی از ارکان اساسی جرم است، به‌طوری‌که ممکن است مستقیماً بر تعریف جرم و تحقق آن اثر بگذارد. اطاعت از قانون و اوامر قانونی، حفظ جان یا مال یا ناموس یا آزادی خود یا دیگری در قبال حمله غیرقانونی یا شرایط خطرناک، تأدیب و تربیت اطفال، شرکت در یک رقابت سالم و سازنده

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-09-08]

شماره ۵۱،
دوره ۱۱،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۲،
صص ۱-۱۳

ورزشی و معالجه و درمان یک بیمار، انگیزه‌های پسندیده‌ای هستند که قانون‌گذار نمی‌تواند حساب آن‌ها را باانگیزه‌های بد و مجرمانه یکی تلقی کند.لذا در چنین اوضاع‌واحوالی، مقنن خود حکم به جواز عملی می‌دهد که در غیر آن شرایط، آن را جرم شناخته است(اردبیلی، ۱۳۹۳).

مفهوم شناسی

عوامل موجهه جرم، عبارت از شرایط و اوضاع‌واحوالی عینی است که وصف مجرمانه را از رفتاری که در شرایط عادی جرم است، برداشته، صورتی غیرقابل سرزنش به آن می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر، همان فعلی که در شرایط متعارف، جرم است و طبق قانون، قابل مجازات محسوب می‌شود با پیش آمدن اوضاع‌واحوال خاص و استثنایی که اختصاص به فاعل جرم ندارند، ممنوعیت خود را از دست می‌دهد؛ به‌طوری‌که انجام آن برای قانون‌گذار مطلوب است یا حداقل ازنظر او مباح و جایز محسوب می‌گردد.

برای مثال، مأموری که به‌حکم قانون و به دستور آمر قانونی، محکوم‌علیه را اعدام می‌کند (ماده (٥٦) ق.م.ا.) یا مدافعی که با رعایت شرایط قانونی، مهاجم را از پای درمی‌آورد(ماده (٦١) و (٦٢٥) تا (٦٣٢) ق. م .ا) ازلحاظ مادی و ظاهری همان کاری را انجام می‌دهند که یک قاتل انجام داده، ولی قانون‌گذار نه‌تنها آن‌ها را سرزنش و مجازات نمی‌کند، بلکه به خاطر اجرای یک حکم قانونی یا مقاومت در برابر حمله‌ای غیرقانونی، که نقشی بازدارنده از ارتکاب جرم دارد، می‌ستاید(صحرایی، ١٤٠٢).

در مواردی دیگر، همچون اضطرار، قانون‌گذار با درک شرایط مضطر که در مخمصه‌ای گرفتار آمده، ارتکاب جرم را تحت شرایطی، برای خروج از آن تنگنا تجویز می‌کند (ماده (٥٥)و (١٦٧) و تبصره مواد (٥٩١) و (٥٩٢) ق. م . ا) باز،گاهی مقنن برای حفظ مصالح فردی و اجتماعی، فرد را در قبال آثار زیان‌بار اتفاقی افعال قانونی و مشروع خویش، با عنوان « مجرمیت» بدنام نمی‌کند و به همین دلیل اقدامات قانونی والدین و سرپرستان اطفال و محجورین را به‌منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها (بند ماده (٥٩) ق.م.ا) اعمال طبی یا جراحی مشروع را با رضایت بیمار یا اولیا یا نمایندگان قانونی آن‌ها و با رعایت موازین علمی و فنی و نظامات دولتی (بند ٢ ماده (٥٩) ق . م . ا) و نیز حوادث ناشی از عملیات ورزشی را بدون آنکه سبب آن حوادث،نقض مقررات آن ورزش باشد (بند ٣ ماده (٥٩) ق . م . ا) جرم نمی‌شناسد(فراهانی و خان پور، ۱۳۹۷).

ماهیت و انواع علل موجهه جرم

به‌طورکلی می‌توان گفت «عوامل موجهه جرم اوضاع‌واحوال خاصی هستند که موجب زائل شدن وصف قانونی یک فعل ارادی ضداجتماعی می‌گردند، به‌نحوی‌که باوجودآن اوضاع‌واحوال، فعل مزبور در جهت اعمال یک حق و یا انجام یک تکلیف تلقی و فقدان آن اوضاع‌واحوال موجب احراز و تحقق جرم می‌گردد. بدین ترتیب در مورد عوامل موجهه جرم، قانون‌گذار اعمالی را که در شرایط عادی جرم می‌شناسد خود با تصویب متن قانونی دیگر، تحت شرایط و اوضاع‌واحوال خاص جرم ندانسته و مجازات نمی‌کند درواقع با زائل کردن اثر عنصر قانونی، اعمال مجرمانه را موجه می‌شناسد. عوامل موجهه جرم ماهیتاً بر دو نوع هستند:

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-09-08]

شماره ۵۱،
دوره ۱۱،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۲،
صص ۱-۱۳

خصوصی و عمومی.

الف -عوامل موجهه جرم به‌موجب قانون خاص

از مصادیق عوامل موجهه اختصاصی جرم که نیاز به تصویب قانون خاص دارد، قوانینی را می‌توان نام برد که وصف مجرمانه را از جرائم ارتکابی در زمان گذشته، به‌کلی زائل و نتیجتاً آثار و تبعات احکام صادره‌ی قبلی به‌کلی منتفی می‌شود، مانند لایحه قانونی رفع آثار محکومیت‌های سیاسی مصوّب سال ۱۳۵۸ که طی ماده‌واحده‌ای مقرّر می‌دارد : «محکومیت کلیه کسانی که به‌عنوان اتهام اقدام علیه امنیت کشور و اهانت به مقام سلطنت و ضدیت با سلطنت مشروطه و اتهامات سیاسی دیگر تا تاریخ ۱۶۱۱ ۷۵ به‌حکم قطعی محکوم‌شده‌اند کان لم یکن و ملغی الاثر تلقی می شود و کلیه آثار تبعی محکومیت‌های مزبور موقوف الاجراء خواهد بود».

ب- عوامل موجهه جرم مستند به قواعد حقوق جزائی

عوامل موجهه عمومی جرم کیفیاتی هستند عینی و خارجی که موجب زائل شدن عنصر قانونی جرم گردیده و در باب چهارم ق . م . ا . ۱۳۷۰ ضمن موادّ ٥٦، ۵۷و۵۹ پیش‌بینی‌شده‌اند. به‌طوری‌که مسؤولیت کیفری و حتی مسؤولیت مدنی مرتکب جرم، به علت زائل شدن عنصر قانونی منتفی و علاوه بر مباشر، شریک و معاون جرم را نیز از مجازات معاف می‌سازند(حسنی و علیزاده، ١٤٠٠).

مرز میان علل موجهه جرم و عوامل رافع مسئولیت

با عنایت به‌مراتب پیش گفت در بعضی موارد انگیزه فاعل قابل‌تحسین است و ارتکاب عمل به‌ظاهر مجرمانه را، موجه می‌سازد(حکم قانون و امر آمر قانونی یا دفاع مشروع) اما در موارد دیگر، انگیزه فاعل قابل‌تحسین نیست، اگرچه قابل تقبیح هم نیست (اضطرار یا حالت ضرورت، رضایت قربانی جرم، تنبیه محجورین، حوادث ورزشی یا پزشکی).

اما برای موارد اخیر، عنوان علل اباحه یا اسباب اباحه را مناسب‌تر از علل موجهه جرم می‌دانیم. با توجه به آنچه گفته شد، دو ایراد عبارتی به قانون مجازات اسلامی وارد است: اول آن‌که عوامل موجهه جرم را در کنار علل رافع مسؤولیت، ذیل باب چهارم تحت عنوان « حدود مسؤولیت جزایی » آورده است ؛ درحالی‌که در عوامل موجهه جرم، نوبت به بحث از مسؤولیت (۳) و حدود آن نمی‌رسد، بلکه اقدام مرتکب در مرحله بحث در مجرمیت(٤)، فاقد عنصر قانونی می‌شود و بقیه مراحل، یعنی حدود مسؤولیت و تعقیب و مجازات منتفی می‌شود(آقایی نیا، ۱۳۹۳).

دوم آنکه بیان مقنن در عوامل موجهه جرم یکسان نیست. درحالی‌که در بعضی از موارد ازجمله مواد (٥٦) و (۵۹) ق . م . ا به « جرم نبودن» عمل تصریح کرده است.در مواردی دیگر مانند مواد (۵۵) و (٦١) ق.م.ا، از « مجازات نشدن یا قابل‌تعقیب و مجازات نبودن مرتکب» سخن به میان آورده است . بیان اخیر ممکن است این تصور را در پی داشته باشد که مثلاً در دفاع مشروع، قانون‌گذار فقط رفتار شخص مرتکب را غیرقابل مجازات دانسته و بنابراین،شرکاء و معاونین او قابل مجازات هستند(حبیب زاده و فخر بناب، ١٣٨٤).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-09-08]

شماره ۵۱،
دوره ۱۱،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۲،
صص ۱-۱۳

نیز ممکن است گفته شود که در دفاع مشروع، مسؤولیت مدنی باقی می‌ماند، زیرا مقنن فقط به عدم مجازات اشاره‌کرده است. اما برای جلوگیری از این تصورات ناصحیح لازم است به جرم نبودن عمل در قانون تصریح شود و مسلماً اگر عملی جرم شناخته نشود، مسؤولیت و تعقیب و اجرای مجازات هم منتفی خواهد شد. حقوقدانان برای علل موجهه جرم از عناوین دیگری چون علل تبرئه کننده، اسباب اباحه یا علل عینی عدم مسؤولیت استفاده کرده‌اند. نویسندگان عرب عنوان « اسباب الاباحه» یا « اسباب التبریر» را به‌کاربرده‌اند. حقوقدانان انگلیسی نوعی از دفاع را دفاع توجیه‌کننده(۵) می‌نامند که به دلیل جلوگیری از یک ضرر بزرگ‌تر یا اشاعه یک مصلحت اجتماعی مهم‌تر، باعث تأیید یا قابل‌تحمل شدن رفتار مجرمانه می‌شوند(علیزاده، ۱۳۹۳).

مصادیق مشتبه

با توجه به آنچه گفته شد، عوامل موجهه و عوامل رافع در مبانی و ماهیت باهم تفاوت دارند و این تفاوت آن‌چنان‌که خواهیم دید، باعث تفاوت در آثار آن‌ها می‌شود. لذا در مواردی چون اضطرار، صغر، جنون و اشتباه که معلوم نیست جزء عوامل موجهه هستند یا عوامل رافع یا ماهیت جداگانه‌ای دارند، باید بحث کرد.

- اضطرار

منظور از اضطرار، قرار گرفتن در شرایط ناچاری و درماندگی است، به‌نحوی‌که ارتکاب جرم تنها راه چاره خروج از آن شرایط است ؛ مانند سقط‌جنین برای حفظ حیات مادر،نوشیدن شراب برای حفظ حیات، ایراد خسارت به اموال دیگری برای نجات از خطر سیل یا حریق، سرقت برای رفع نیاز ضروری و پرداخت رشوه برای حفظ حق خود(شمس ناتری و اسکندری، ۱۳۹۲).

در مورد ماهیت اضطرار اختلاف‌نظرهایی دیده می‌شود. یکی از نویسندگان اضطرار را از موارد منقصت جسمی یا روانی دانسته و آن را در عداد عوامل رافع مسؤولیت کیفری قرار داده و در جای دیگر، آن را از عوامل توجیه‌کننده جرم،محسوب کرده و به همین اعتبار در ذیل هر دو عنوان به بحث اضطرار پرداخته است. دیگران با تفاوت قائل شدن بین حالت ضرورت و اضطرار، ازاین‌جهت که ضرورت حالت عینی و بیرونی دارد و اضطرار حالت شخصی و درونی، ضرورت را مصداق عوامل موجهه جرم دانسته و اضطرار را مصداق عوامل رافع مسؤولیت کیفری تلقی کرده‌اند(شمس ناتری و اسکندری، ۱۳۹۲)..

این گروه پس از تعریف اضطرار به‌عنوان یک حالت درونی و شخصی، تخریب منزل همسایه برای هدایت سیل از منزل خود به منزل او را که یک عامل عینی و بیرونی است، به‌عنوان‌مثال ذکر کرده، ماده (۵۵) قانون مجازات اسلامی را مستند خود قرار می‌دهد. اما به نظر ما، تفاوتی بین حالت ضرورت و اضطرار وجود ندارد. خود قانون‌گذار در شرایط ضروری یا اضطراری ارتکاب عمل مجرمانه را به خاطر حفظ مصلحتی مهم‌تر یا برابر با آن، تجویز می‌کند و تکلیف را از مکلف برمی‌دارد. حتی بعضی از فقها در مواردی اقدام مضطر را نه‌تنها مباح، بلکه واجب می‌دانند.

پس اضطرار یا ضرورت با عوامل موجهه جرم قرابت بیشتری دارد، اما به‌اندازه‌ی حکم قانون و امر آمر قانونی و دفاع مشروع، عمل ارتکابی را توجیه نمی‌کند. در مورد حکم قانون و امر آمر قانونی و دفاع مشروع، عمل فاعل قابل‌تحسین

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-09-08]

شماره ۵۱،
دوره ۱۱،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۲،
صص ۱-۱۳

است، زیرا وی با اجرای قانون یا دستورات قانونی یا مقاومت در برابر یک عمل مجرمانه، که نقش بازدارنده در تکرار جرم دارد، به جامعه خدمت کرده است. این انگیزه صورتی موجه و پسندیده به جرم می‌دهد و تشویق جامعه را در پی دارد.اما در اضطرار یا حالت ضرورت، فعل ارتکابی تحسین دیگران را برنمی‌انگیزد، اگرچه قابل تقبیح هم نیست(نژندی منش، ۱۳۹۳).

کسی مضطر را به این دلیل که در حالت ناچاری منافع خویش را بر منافع دیگری برگزیده و مقدم داشته، سرزنش نمی‌کند؛ زیرا مقتضای صیانت نفس همین است ؛ اما اخلاق اجتماعی حکم می‌کند که وی باید شرایط سخت پیش‌آمده را خود تحمل کرده، از انجام اعمال مضر به حال دیگران برای حفظ منافع خود بپرهیزد. به‌عبارت‌دیگر، دستور قانون با تجویز قانون برابر نیست و عمل مأمور موجه است، اما عمل مضطر فقط مباح است. اقتضای تخییر بین دو حکم متزاحم نیز رفع حرمت و مباح شدن فعل حرام است. به همین دلیل، نگارنده عنوان « عوامل یا اسباب اباحه» را برابر ضرورت یا اضطرار مناسب‌تر می‌داند. رضایت مجنی‌علیه نیز مثل اضطرار، نهایتاً به اباحه جرم منتهی می‌شود و نمی توان آن را توجیه‌کننده جرم در معنای خاص کلمه دانست(شمس ناتری و اسکندری، ۱۳۹۲)...

- کودکی

صغر سن یا کودکی غالباً ذیل عنوان عوامل رافع مسؤولیت کیفری موردبحث واقع‌شده است، درحالی‌که بنابر نظر مرسوم فقهی از طفل ممیز مسؤولیت کیفری به‌طور کامل رفع نمی‌شود؛ زیرا او از درک و شعور نسبی برخوردار است و تا حدودی می‌تواند در اعمال خود قاصد باشد. از این لحاظ ماده (٤٩) ق.م.ا، که اطفال را در صورت ارتکاب جرم مبری از مسؤولیت کیفری می‌داند، به‌طورکلی پذیرفتنی نیست و خود قانون‌گذار در جای دیگری آن را تخصیص زده و برای طفل ممیز، کیفر تعزیری مقرر کرده است.

قانون مجازات عمومی، اصلاحی ۱۳۵۲ دوران قبل از بلوغ را به چند دوره جداگانه تقسیم کرده و درحالی‌که برای اطفال ممیز، مسؤولیت نسبی قائل شده بود، اطفال غیر ممیز را فاقد مسؤولیت می‌شناخت و اطفال غیر ممیز زیر شش سال نیز اصولاً طرف خطاب قانون‌گذار نبودند؛ یعنی ازنظر قانون مذکور هر نوع عملی که از آن‌ها سر می‌زد، از شمول قانون جزا خارج بود، زیرا تصور می‌شد چنین طفلی نمی‌تواند از عنصر معنوی لازم برای یک جرم برخوردار باشد(رعیتی، ۱۳۹۳).

در نظام حقوقی کامن لا، یک فرض غیرقابل رد وجود دارد که اطفال زیر ده سال فاقد اهلیت ارتکاب جرم هستند. اعمال طفل ده تا چهارده سال نیز اصولاً جرم محسوب نمی‌شود، مگر آنکه علم او به اینکه رفتارش یک خطای فاحش است، ثابت گردد. طبق ماده(۸ – ۱۲۲) قانون جزای جدید فرانسه،۱۹۹۲، اطفال زیر سیزده سال چنانچه مرتکب اعمال جزایی شوند قابل مجازات نیستند، اما تدابیر حمایتی، کمکی، نظارتی و آموزشی در مورد آن‌ها قابل‌اجرا است. در سیزده تا هیجده سالگی، بزهکار، غیرمسئول فرض می‌شود، اما اگر از تمیز کافی برخوردار باشد، فرض مذکور قابل رد خواهد بود؛ به همین دلیل بعضی از نویسندگان، وضعیت کودکان بزهکار را نه تحت عنوان عوامل رافع مسؤولیت جزایی، بلکه به‌عنوان طبقه¬ی خاصی از بزهکاران که دارای احکام جزایی ویژه¬ی خود هستند، موردبحث قرار داده‌اند(غلامی، ۱۳۹۲).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-09-08]

شماره ۵۱،
دوره ۱۱،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۲،
صص ۱-۱۳

- جنون

در اصطلاح جنون به معنای غلبه تاریکی و ظلمت بر شعور انسان و استتار خرد او است . در معنای کلی کلمه، جنون بیماری‌های مختلف روانی، عصبی را که ممکن است جنبه دائم یا موقتی داشته باشد، اعم از اینکه مادرزادی باشد یا مرضی، شامل می‌گردد و از شدت و ضعف برخوردار است(حسینی و اعتمادی، ۱۳۹٤).

شدیدترین نوع جنون، پریشانی در شعور است که سایکوز(۷) خوانده می‌شود. در این حالت، بیمار واقف به گفتار و کردار و بیماری خود نیست، طبق ماده (۱- ۲۲۱) قانون جزای جدید فرانسه شخصی که در حال ارتکاب، مبتلابه اختلال روانی یا عصبی – روانی منجر به زائل شدن قدرت تشخیص یا کنترل اعمالش باشد،مسؤولیت کیفری ندارد. در کامن لا، قاعده معروف مگ ناتن(۸)، اجرا می‌شود که طبق آن، اگر متهم دچار چنان نقص عقلی یا بیماری ذهنی ای باشد که نداند ماهیت و کیفیت فعلش چیست و یا اگر بداند، متوجه نباشد آنچه انجام داده، خطا بوده، مجرم نیست. آنچه گفته شد، جنون را در عداد عوامل رافع مجرمیت قرار می‌دهد، به‌طوری‌که « اگر جنون قبول شد، جواب سؤال مجرمیت منفی خواهد گردید». لذا برخلاف ماده ۵۱ ق.م.ا، که جنون را رافع مسؤولیت کیفری می‌داند، ماده (٤٠) قانون مجازات عمومی ۱۳۰٤ و بند « الف» ماده (۳٦) قانون مجازات اصلاحی ۱۳۵۲،جنون را رافع مجرمیت دانسته بود:« هرگاه محرز شود مرتکب جرم حین ارتکاب به عوامل مادرزادی یا عارضی فاقد شعور بوده، یا به اختلال تام قوه تمیز یا اراده دچار باشد، مجرم محسوب نخواهد شد...»(برهانی و پارساییان، ۱۳۹٦).

- اشتباه

وقتی از اشتباه بحث می‌شود باید دو نوع اشتباه را از هم تفکیک کرد.« اشتباه حکمی عبارت است از اینکه انسانی براثر ناآگاهی (جهل) به اوامر و یا نواحی قانون‌گذار و یا درنتیجه درک و تفسیر نادرست از مقررات قانونی مرتکب جرمی می‌شود که در صورت وقوف به‌حکم واقعی از ارتکاب آن پرهیز می‌کرد». جهل به‌حکم قانون، به ملاحظه حفظ نظم اجتماعی، جز در موارد استثنایی رافع مسؤولیت شناخته‌نشده است.

اگر اشتباه در موضوع جرم، یعنی نفس عمل ارتکابی باشد، اشتباه موضوعی نامیده می‌شود. این نوع اشتباه در جرائم غیرعمدی تأثیری ندارد، زیرا عنصر روانی این نوع جرائم که تقصیر یا خطای کیفری است، خود مشتمل بر نوعی اشتباه است.درواقع، توقع قانون‌گذار از انسان‌ها به رعایت احتیاط و نظامات دولتی چنان ناچیز است که این حداقل تلاش را نمی‌توان با حدوث شبهه منتفی دانست. شبهه در این قبیل جرائم خود نشانه بارز بی‌احتیاطی و بی‌توجهی به نظامات دولتی است؛ اما در جرائم عمدی، اشتباه موضوعی اگر راجع به یکی از ارکان اصلی جرم باشد، قصد را زایل کرده، مانع از تحقق جرم می‌شود. مثل آنکه کسی مال دیگری را بدون علم به تعلقش به غیر،بردارد یا مسکری را به گمان اینکه شربتی گوارا است بنوشد. در سایر موارد، مثل اشتباه در هدف یا هویت قربانی جرم، جرم از عمد به غیر عمد تغییر می‌یابد یا عامل مشدده کیفر خنثی می‌گردد و بدین ترتیب مسؤولیت کیفری تخفیف می‌یابد . به‌هرحال، آنچه گفته شد نشان می‌دهد که اشتباه موضوعی،در بعضی موارد،از موانع تحقق جرم است و در بعضی موارد از عوامل تخفیف مسؤولیت و بحث از آن در ذیل عنوان رافع مسؤولیت کیفری، بدون توجه به نوع و اثر اشتباه، قابل ایراد است. لذا بعضی از نویسندگان بحث دراین‌باره را در باب عنصر روانی جرم مناسب دانسته‌اند.« به عقیده آن‌ها شبهه (جهل)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-09-08]

شماره ۵۱،
دوره ۱۱،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۲،
صص ۱-۱۳

در جرائم عمدی، سوءنیت را زائل می‌کند و اساساً باوجود شبهه، جرم تحقق نمی‌یابد»(حبیب زاده و فخر بناب، ۱۳۸٤).

آثار و پیامدهای برخاسته از عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسؤولیت کیفری

عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسؤولیت کیفری به دلیل اختلاف در ماهیت، در آثار نیز تفاوت‌هایی دارند و وجود یک وجه مشترک مهم بین آن‌ها، یعنی مانعیت از مجازات، به معنای همانندی آن‌ها در سایر آثار نیست. لذا در این قسمت این دودسته از عوامل مانع کیفر را ازلحاظ آثار، مقایسه می‌کنیم.

- از دیدگاه اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی

اقدام تأمینی وتربیتی نوعی واکنش اجتماعی در برابر بزهکاری محسوب می‌شود ومثل مجازات‌ها، تابع اصل قانونی بودن است؛ یعنی لازمه اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی است که عمل ارتکابی متهم، بر فرض اثبات ازنظر قانونی جرم باشد. همچنین، سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی مرتکب و کیفیت جرم ارتکابی او، باید نشانگر حالت خطرناک و احتمال تکرار جرم از ناحیه او باشد. با این دو شرط، یعنی جرم بودن عمل و خطرناک بودن مجرم، دیگر مسؤول بودن یا غیر مسؤول بودن مرتکب شرط اجرای این اقدامات نیست.

درعوامل موجهه جرم، رفتار ارتکابی،نه تنها جرم نیست؛ بلکه نشانگر قصد و انگیزه‌ی مجرمانه و خطرناکی فاعل نیز به شمار نمی‌رود. بنابراین اقدامات تأمینی و تربیتی در موارد عوامل موجهه جرم، قابل اعمال نیستند_تبصره ۲ ماده (٤۹) و ماده (۵۲) ق.م.ا، و ماده یک قانون اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۳۳۹).

- از دیدگاه دفاع مشروع

در مواردی که رفتار فاعل از شرایط موجهه جرم برخوردار است، عمل به ظاهر مجرمانه به امر یا اجازه قانون‌گذار صورت می‌گیرد و نمی‌توان در مقابل چنین عملی مقاومت کرد و آن را دفاع مشروع نامید. لذا دفاع در مقابل دفاع مشروع، مشروع نیست و مقاومت در برابر مأموری که مشغول انجام وظیفه است،نه تنها دفاع مشروع شناخته نمی شود، بلکه مصداق جرم تمرد در مقابل مأمور دولتی به شمار می‌آید. در مواردی هم که رضایت قربانی جرم استثنائاً فعل مجرمانه را مباح می‌سازد، رضایت دهنده یا کسان او نمی‌توانند به بهانه دفاع متوسل شوند؛ زیرا از نظر عقل و انصاف هیچ کس نمی‌تواند در مقابل عملی که خود انجام آن را طلبیده یا به انجام آن رضایت داده، مقاومت کرده، به عذردفاع استناد کند(قلیچ، ۱۳۹۹).

اما در اضطرار وضعیت متفاوت است؛ به این صورت که اگرچه فعل مضطر مباح است، اما دفاع در برابر آن جایز است؛ زیرا اولاً مشروعیت دفاع، متوقف بر جرم بودن حمله‌ای که صورت گرفته نیست و انسان می‌تواند در برابر هر وضعیتی که به ناحق خطر یا ضرری را متوجه او می‌سازد، به دفاع متوسل شود، مشروط بر آنکه خود وی در موضع غیرقانونی نباشد؛ثانیاً کسی که در معرض حمله مضطر قرار گرفته، تکلیفی به ایثار و تحمل ضرر ندارد؛ و ثالثاً حتی اگر به دلیل مباح بودن عمل مضطر؛ نتوان دفاع در برابر او را مشروع دانست، دست کم می‌توان مقاومت در برابر فعل مضطر را از همان باب اضطرار تجویز کرد. آنچه در مورد مضطر گفته شد، درباره دفاع در برابر اعمال خطرناک افراد

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-09-08]

شماره ۵۱،
دوره ۱۱،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۲،
صص ۱-۱۳

غیر مسؤول یا نیمه مسؤول، اعم از آنکه عمل آن‌ها را دارای وصف مجرمانه بدانیم یا ندانیم، نیز صادق است(شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵).

- از دیدگاه مسؤولیت همکاران

جرم نبودن فعل مباشر اصلی در عوامل موجهه جرم، افعال شرکاء و معاونین وی را نیز از وصف مجرمانه خارج می کند، زیرا در اینجا علت عدم مسؤولیت و سقوط کیفر،جنبه عینی دارد و مختص مباشر اصلی نیست.به این دلیل مواد (٦١) و (٦٢) و (٥) دفاع از دیگری یا ارتکاب فعل اضطراری برای حفظ جان یا مال دیگری را نیز اجازه داده‌اند. برعکس، در عوامل رافع مسؤولیت، علت عدم مسؤولیت مباشر اصلی جنبه شخصی داشته، به خود او اختصاص دارد و لذا شرکاء و معاونین جرم او، مستحق کیفر اعمال ارتکابی خود هستند. در ماده (٤٤) قانون مجازات اسلامی آمده است: « در صورتی که فاعل به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب و مجازات نباشد و یا تعقیب و یا اجرای مجازات او به جهتی از جهات قانونی موقوف گردد، تأثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت» با توضیح مختصری که داده شد، معلوم می‌شود منظور از جهات مذکور در این ماده، جهات شخصی عدم مسؤولیت است که در خصوص هر یک از مداخله کنندگان در فعل مجرمانه، باید جداگانه مورد بررسی قرار بگیرد و احراز شود(پوربافرانی و افشین پور، ۱۳۹۳).

مسؤولیت مدنی و مقوله علل موجهه جرم

مرتکب عمل مجرمانه در قبال خسارات ناشی از عمل مجرمانه خویش مسؤول است و البته دایره مسؤولیت مدنی وسیع‌تر از اعمال مجرمانه است و به آن محدود نمی‌شود مأموری که حکم قانون را اجرا می‌کند، مسؤولیت مدنی ندارد، زیرا اطاعت از قانون،هر گونه مسؤولیتی را نفی می‌کند. مدافع نیز در قبال خسارات وارد به مهاجم، فاقد مسؤولیت مدنی است، زیرا عمل تهاجم، حرمت جان و مال مهاجم را از بین می‌برد. طبق ماده یک قانون مسؤولیت مدنی فقط فعل« بدون مجوز قانونی » موجب مسؤولیت مدنی می‌گردد و عمل مأمور یا مدافع مشروع، بدون مجوز قانونی نیست. لذا طبق ماده ۱۵ آن قانون « کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعدی شود،مسؤول خسارات نیست، مشروط به اینکه خسارات وارده بر حسب متعارف،متناسب با دفاع باشد». در اضطرار که ما آن را سبب اباحه جرم می‌دانیم – نه توجیه آن – وضعیت متفاوت است. فردی که با حمله مضطر مواجه می شود تکلیفی به تسلیم شدن و تحمل خسارات ناشی از عمل اضطراری ندارد؛ زیرا او تقصیری نکرده تا از حقوق مالی خویش محروم گردد. بنابراین صرف‌نظر از ماهیت حالت اضطرار، ضرر و زیان او باید جبران گردد. به همین دلیل تبصره ماده (٥٥) ق.م.ا، در حالت ضرورت یا اضطرار،دیه و ضمان مالی را به قوت خود باقی دانسته است.

در مورد رضایت مجنی‌علیه نیز که شباهت بیشتری به اضطرار دارد تا حکم قانون و دفاع مشروع، بعضی نوشته‌اند:« در مواردی که رضایت مسؤولیت جزایی را زایل می‌کند، قربانی جرم نمی‌تواند برای جبران خسارات وارده اقدام کند». در مواردی چون اقدامات تربیتی، اعمال جراحی و مسابقات ورزشی نیز که به تأیید عرف رسیده و قانون آن را تجویز کرده، مسؤولیت مدنی، به شرط رعایت قواعد و نظامات مربوط منتفی است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-09-08]

شماره ۵۱،
دوره ۱۱،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۲،
صص ۱-۱۳

به همین دلیل برخی از فقها با تکیه بر اصل برائت و رضایت قبلی بیمار و منافات اذن باضمان و قاعده احسان، پزشک را در برابر صدمات وارد به بیمار یا فوت وی مسؤول نمی‌دانند[٢٦، ص ٣٧٣]؛ اما مشهور فقهای امامیه به این دلیل که اذن در معالجه، اذن در تلف محسوب نمی‌شود، پزشک را در قبال صدمه یا فوت بیمار مسؤول پرداخت دیه دانسته‌اند [٢٦، ص ٣٧٣؛ ٢٧، ص ٢٢١ ؛ ٢٨، ص ٤٩٠]. درباره¬ی ضمان تأدیب کننده نیز بعضی فقها معتقدند که تأدیب امری مشروع و قانونی است و به‌قصد تربیت و احسان صورت می‌گیرد و اگر در حد متعارف باشد، تأدیب کننده را نمی‌توان مسؤول عواقب ناشی از آن دانست[٢٩، ص٢٩٢]؛ اما مشهور فقهای امامیه اجازه شارع را فقط اذن در تأدیب دانسته‌اند، نه اذن در تلف و جنایت و تأدیب کننده را ضامن جنایات و خسارات ناشی از تأدیب شناخته‌اند. بند « ب» ماده (٢٩٥) قانون مجازات اسلامی نیز از همین نظر پیروی کرده است(گلدوزیان، ١٣٩٤).

نتیجه‌گیری

مجازات که رایج‌ترین و طبیعی‌ترین پاسخ اجتماعی به پدیده¬ی مجرمانه است، در اثر عمل گوناگونی ساقط می‌گردد که عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسؤولیت کیفری از آن جمله‌اند. ماهیت این دو درنتیجه و آثار،مختلف است و به دلیل اختلاف در آثار،تشخیص مصادیق هر یک ضروری است. اگرچه مباحث مطرح شده در منابع حقوقی ما در این زمینه به هم نزدیک است، اما در تشخیص مصادیق هر یک از آن‌ها اختلاف نظرهایی وجود دارد که ناشی از عدم دقت در ماهیت آن‌ها و عدم عنوان گذاری دقیق در اینباره است. گفتنی است که در عوامل موجهه جرم، از آنجا که عمل ارتکابی جرم محسوب نمی‌شود، اگر پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی باشد قرار منع پیگیرد صادر می‌شود و اگر در مرحله رسیدگی و صدور حکم باشد حکم به برائت متهم صادر خواهد شد

به بیانی دیگر، عوامل موجهه جرم، عبارت از شرایط و اوضاع‌واحوالی عینی است که وصف مجرمانه را از رفتاری که در شرایط عادی جرم است، برداشته، صورتی غیرقابل سرزنش به آن می‌دهد به‌عبارت‌دیگر، همان فعلی که در شرایط متعارف، جرم است و طبق قانون، قابل مجازات محسوب می‌شود با پیش آمدن اوضاع‌واحوال خاص و استثنایی که اختصاص به فاعل جرم ندارند، ممنوعیت خود را از دست می‌دهد؛ به‌طوری‌که انجام آن برای قانون‌گذار مطلوب است یا حداقل از نظر او مباح و جایز محسوب می‌گردد.برای مثال، مأموری که به‌حکم قانون و به دستور آمر قانونی، محکوم‌علیه را اعدام می‌کند (ماده (٥٦) ق.م.ا.)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-09-08]

شماره ۵۱،
دوره ۱۱،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۲،
صص ۱-۱۳

منابع

اردبیلی، محمدعلی.(۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، ج۱. تهران، نشر میزان.

افراسیابی، محمداسماعیل.(۱۳۹٦). حقوق جزای عمومی، چاپ اول، ج۲. تهران، انتشارات فردوسی

آقایی نیا، حسین.(۱۳۹۳). کاربرد معیارهای عینی و ذهنی در عوامل موجهۀ جرم. مجله:مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی»زمستان ۱۳۹۳ - شماره ۱ (وزارت علوم/14) ISC صفحه - از ۲۳ تا ۳٦).

برهانی، محسن، پارساییان، عطیه.(۱۳۹٦). نقش عرف در تحلیل مولفه روانی جرم و عوامل زوال مسئولیت کیفری. پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی » شماره۲.

پوربافرانی، حسن، افشین پور، مصطفی.(۱۳۹۳).

تفاوت علل موجهه جرم با علل رافع مسوولیت کیفری و آثار آن در حقوق بین الملل کیفری. مطالعات حقوقی (علوم اجتماعی و انسانی شیراز). دوره: ۵. شاره: ۲ (پیاپی ۹). صفحات: ۱-۲۳.

حبیب زاده، محمدجعفر.(۱۳۸٤). اضطرار. مجله حقوقی دادگستری. شماره ۳۵

حبیب زاده، محمدجعفر، فخربناب، حسین.(۱۳۸٤).مقایسه عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری. مجله مدرس علوم انسانی. شماره ٤۰.

حسینی، سیدمحمد، اعتمادی، امیر.(۱۳۹٤). جنون به‌عنوان عامل رافع مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان. مطالعات حقوق تطبیقی». شماره۲

حسینی، محمدحسن، علیزاده، حمید.(۱٤۰۰). تطبیق مبانی و شرایط دفاع مشروع در حقوق کیفری ایران و اسکاتلند. مجله:پژوهشنامه حقوق تطبیقی»بهار و تابستان ۱٤۰۰ - شماره ۷ رتبه ب (وزارت علوم (18 صفحه - از ۷۰ تا ۸۷).

شمس ناتری، ابراهیم، اسکندری، عبدالکریم.(۱۳۹۲). اضطرار: عامل موجهه جرم یا رافع مسوولیت کیفری؟. بلاغ پاییز و زمستان ۱۳۹۲ - شماره ٤٤ و ٤٥ (26 صفحه - از ٤۷ تا ۷۲).

شیخ الاسلامی، عباس.(۱۳۹۵). محرومیت‌های اجتماعی به‌مثابه یک علت موجهه جرم یا عامل رافع مسئولیت کیفری؟. فصلنامه تحقیقات حقوقی. شماره ۷۵.

صحرایی، نوید.(۱٤۰۲). تشریح عوامل موجهه جرم و موانع مسئولیت کیفری و مصادیق آن‌ها در نظام حقوقی ایران. یازدهمین کنفرانس بین المللی پژوهشهای دینی و اسلامی، حقوق، علوم تربیتی و روانشناسی.

غلامی، علی.(۱۳۹۲). مانع یا رافع بودن صغر، جنون و عوامل مشابه آن نسبت به مسئولیت کیفری. پژوهشنامه حقوق اسلامی » شماره۳۷.

فراهانی، محمد، خان پور، لیلا.(۱۳۹۷). عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری. تهران: نشر صالحیان.

قلیچ، معصومه.(۱۳۹۹). علل و عوامل رافع مسئولیت کیفری در عرصه بین المللی. قانون یار » دوره ٤، شماره ۱٦.

گلدوزیان، ایرج.(۱۳۹٤). بایسته های حقوق جزای عمومی(۱-۲-۳). تهران. نشر سمت.

نژندی منش، هیبت الله.(۱۳۹۳). تاملی بر «عوامل رافع مسئولیت کیفری» در چارچوب اساسنامه دیوان بین المللی کیفری. حقوقی بین المللی». شماره۵۱.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-09-08]

شماره ۵۱،
دوره ۱۱،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۲،
صص ۱-۱۳

هژبرالساداتی، هانیه.(۱۳۹٤). تفسیرهای قضایی از قوانین کیفری در پرتو عدالت اجتماع، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-09-08]

مجله مطالعات حقوق

شماره ۵۱،
دوره ۱۱،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۲،
صص ۱-۱۳

Justifiable Causes of Crime

Dariush Oladi Qadikalai[2]

Abstract

Before and after the crime, there may be events that affect the structure of the crime. In order to commit a crime, it is necessary to fulfill three elements which are legal element, material element and spiritual element. There are reasons and factors that justify the crime and remove its punishment. The purpose of this research, which was carried out using a library method, is to examine the position of the factors justifying the crime according to the jurisprudence teachings in the penal law approved in 2012. This law, unlike the previous law, has devoted a separate section to the conditions and obstacles of criminal liability, regardless of the separation of factors justifying the crime and factors that mitigate the criminal responsibility, on this principle, the legislator has integrated both legal institutions and the factors justifying the crime are It is not specific. The results show that during the criminal proceedings, various defenses can be proposed by the defendant or his lawyer, which includes citing the justified factors of the crime. The justifying factors of the crime refer to the objective conditions that justify the criminal act or make it permissible. Irrespective of the fact that justified factors prevent the accused from being punished in terms of applicability, protective and educational measures, civil liability of the accused, defense against the accused, ability to punish partners and accomplices, burden of proof and procedure, differences with the category of liability There is a punishment that is related to their conditions and qualities.

Keywords: Justifiable Causes of Crime, Causes of Criminal Responsibility, Responsibility, Crime

[2] Master's degree, jurisprudence and criminal law, Islamic Azad University, Nowshahr branch, Nowshahr, Iran (Corresponding Author)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-09-08]